

کاغذ ابری اوج احساس در تلفیق رنگ و کاغذ

یحیی ذکاء

اشاره

برخی از همکاران فرهنگی و دبیران هنر از جذبه‌های آموزشی و هیجان‌آفرین تولید کاغذ ابرو باد و سپردن روح دانش‌آموزان به وسعت بی‌پایان رنگ به‌خوبی آگاهی دارند. از آنجا که ساختن کاغذ ابرو باد در درس کتاب هنر گنجانده شده است، به‌خوبی می‌توان دریافت که تلفیق رنگ و کاغذ در یک محیط سیال علاوه بر مهارت، می‌تواند قدرت ابتکار دانش‌آموزان را نیز در صورت‌بندی و شکل‌دهی به صفحات کاغذ ابرو باد شکوفا کند. جالب اینجاست که در هنگام ساختن کاغذ ابرو باد و درگیر شدن با آب و کاغذ و رنگ و نشاسته و سایر مواد، خود دبیران هنر آن‌قدر در موضوع محو می‌شوند که به‌راحتی می‌توان دریافت که محیط کلاس به فضایی دلچسب و مورد علاقه تبدیل شده است؛ جایی که استعداد‌های هنری بچه‌ها را شکوفا و متجلی می‌سازد. این تجربه‌ای است که بارها آن را در کلاس به‌کار گرفته و شاهد تأثیر بسیار مطلوب آن بوده‌ایم. مقاله‌ای که پیش‌رو دارید، دربردارنده مطالب نادر و ارزشمندی درباره کاغذ ابرو باد یا همان کاغذ ابری است که مرحوم یحیی ذکاء نوشته است. از آنجا که مقاله به ریشه‌های ساخت این نوع کاغذ به شکل تاریخی و تحلیلی در مکان‌های گوناگون پرداخته، امکان قابل توجهی برای شناخت پیشینه این تولید هنری فراهم آورده است که برای همکاران و مدرسان هنر بسیار مفید خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: کاغذ ابر و باد، کاغذ ابری‌سازی



▲ کاغذ ابر و باد حاصل از رنگ‌های روغنی شناور روی آب

اوست (بیانی، ج ۲: ۳۵۲). گذشته از عبدا... مروارید، از کسانی که در رواج و گسترش این رشته از هنر در ایران و هند، مؤثر بوده‌اند، میرمحمد طاهر مجلد از هنرمندان سده دهم هجری ایران است که مردی صاحب ذوق و در خوشنویسی و جلدسازی و ساختن کاغذ ابری استاد بود. وی در سفری که به هند کرده بود، در آن دیار این هنر را رواج داده، نمونه‌هایی از کارهای خود به ایران فرستاده بود. چون این گونه کاغذهای آراسته، زیبایی چشم‌نواز و خیال‌انگیزی داشت، هنردوستان و بزرگان ایرانی آن را سخت پسندیدند و از آن پس، در آراستن کتاب‌های دست‌نوشته گران‌بها از آن سود می‌جستند. چون اندکی از این گونه کاغذها از هند به ایران می‌رسید و نیاز خواستاران را بر نمی‌آورد، به‌ناچار هنرمندان ایرانی خود دست به کار ساختن کاغذ ابری بیشتری شدند و چنان‌که یاد خواهیم کرد، گفته شده است که نخستین کسی که در ایران در پی فراهم آوردن کاغذ ابری به شیوه میرمحمد طاهر مجلد برآمد، مولانا یحیی قزوینی بود که پس از کوشش‌های فراوان، توانست ابرهایی به روش او بسازد و از آب درآورد، لیک هم او نیز در آغاز کار به‌خوبی استاد محمدطاهر نمی‌توانست بسازد تا این‌که با به‌دست آوردن نسخه استاد توانست ابری‌های زیبایی به بازار آورد.

در نسخه دست‌نوشته گلستان هنر، متعلق به کتابخانه سالار جنگ در هند آمده است: «مولانا یحیی از قزوین است، در وصالی و رنگ‌آمیزی کاغذ و ابری‌ها بسیار نادر افتاده و تصرفات نیکو دارد» و نیز درباره درخواست یحیی قزوینی، نسخه ابری‌سازی از میرمحمد طاهر مجلد، نامه‌ای در دست است که در آن هنرمند قزوینی از میرمحمد طاهر به نظم و نثر با ستایش از ابری‌ها کار دست او - که به شهرهای دوردست می‌برده‌اند و اندکی نیز به ذوالفقارخان فرستاده بوده و او فرموده که کتاب‌های گران‌بها را به این کاغذها متن و حاشیه کنند - نسخه ساخت کاغذ ابری را خواسته است (ملک ۳۸۴۶/۶۵).

چنین می‌نماید که شیوه ابری‌سازی میرمحمد طاهر به مذاق هنرمندان و هنردوستان ایرانی سخت خوش افتاده و بر آن شده‌اند که نسخه او را به‌دست آورند و از شیوه او در ابری‌سازی پیروی کنند؛ چنان‌که جز یحیی قزوینی، ملاخلیل وقاری لاهیجی نیز نامه‌ای به محمدطاهر نوشته و در آن نامه هنر او را ستوده و از او درخواست کرده که اصول ابری‌سازی خود را برای او نیز بفرستد (ملک ۳۸۴۶/۷۳).

جز این‌ها که نام بردیم، کسان دیگری نیز توانستند به ابری‌سازی رواج بیشتری داده، شیوه‌های نوین و گوناگونی بیافرینند که مولانا تذهیبی یکی از آنان بوده است (سهیلی: ۴۲).

تاریخچه

اصطلاح «ابری» گویای گونه‌ای آرایش و رنگ‌آمیزی بر روی کاغذ است که در آن، رنگ‌ها همچون موج و جریان آب یا مانند ابرهای درهم پیچیده، نمودار می‌شوند و گونه‌ای زیبایی تصادفی یا حساب‌شده را پدید می‌آورند.

پیش از همه باید دانست که اصطلاح «ابر» و «ابری‌سازی» و «ابری‌سازی»، که یکی از رشته‌های هفت‌گانه نگارگری ایرانی است، به‌جز «ابری‌سازی» یا «کاغذ ابری» است که در فن کاغذگری و کتاب‌آرایی به کار می‌رود.

تاریخ پیدایش ابری‌سازی یا کاغذ ابری به فرجامین سال‌های سده نهم هجری بازمی‌گردد و به نوشته صاحب رساله «قواعد خطوط» نخستین کسی از ایرانیان که کاغذ ابری ساخته و به کار برده، خواجه شهاب‌الدین عبدا... مروارید بیانی کرمانی است (۹۳۲/۹۲۲-۸۶۵ ه.ق) و این‌که در دیباچه گلستان هنر، از میرمحمد طاهر مجلد به‌عنوان مخترع کاغذ ابری نام برده شده، اشتباهی بیش نیست.

خواجه شهاب‌الدین عبدا... مروارید متخلص به «بیانی» فرزند شمس‌الدین محمد کرمانی، از بزرگ‌زادگان و وزیران دربار تیموریان بود (مجالس النفائس: ۲۸۱؛ حبیب‌السیر: ۳۲۵). این هنرمند گذشته از کارهای دولتی و صدارت، در نظم و نثر دستی داشت و بیشتر قلم‌ها را خوش می‌نوشت و در موسیقی و علم ادوار صاحب نظر بود و در ساخت قانون تصرفاتی کرده بود و در زمان او کسی قانون را به خوبی او نمی‌نواخت.

او استاد سام میرزای صفوی بود. از این‌روست که در تحفه سامی، شرح حال نسبتاً مفصلاً از او آمده است (تحفه سامی: ۱۰۲).

در رساله «قواعد خطوط» نوشته محمود بن محمد (کتابخانه ملی، نسخه خطی) آمده است: «خواجه عبدا... خوشنویس دیوان اعلی بود و افشان و غبار و رنگ‌آمیزی ابری کاغذ اختراع

اصطلاح «ابر» و

«ابری‌سازی»

و «ابری‌سازی» که یکی

از رشته‌های هفت‌گانه

نگارگری ایرانی است،

به‌جز «ابری‌سازی» یا

«کاغذ ابری» است که

در فن کاغذگری

و کتاب‌آرایی به کار

می‌رود



گذشته از تذهیبی، محمد امین مذهب مشهدی نیز در ابری سازی چیره دست بوده است. قاضی احمد قمی در گلستان هنر درباره او می نویسد:

«مولانا محمد امین جدول کش، مشهدی است، در تذهیب و جدول کشیدن قرینه خود نداشت و استاد فقیر است و در وصالی و افشان گری، خواه لینه و خواه میانه و خواه غبار و خواه حل کرده، قرینه نداشت و در کار کاغذ رنگ کردن و ابری های مختلف، نادر عصر بود. هفتاد رنگ کاغذ، رنگ می نمود، مجملاً که در این فنون نظیر خود نداشت (قاضی احمد: ۱۴۸).

▲ کاغذ ابر و باد حاصل از رنگ های روغنی شناور روی آب

را که باید به خوبی در آب حل شده و به هم زده شده باشد تا سیال گشته به صورت سفیده تخم مرغ درآید و به آسانی جریان یابد، می گیرند و سپس آن را در ظرفی دهن گشاد مانند تشتت که گنجایش برگ کاغذهایی را که می خواهند ابری سازند، داشته باشد، می ریزند و می گذارند تا ناخالص آن به روی آب گرد آید و آن گاه کف روی آن را می گیرند تا صاف و زلال گردد. سپس رنگ های کانی را، که در نگارگری نیز به کار می رود یا برای لعاب های رنگین از آن ها استفاده می کنند، در آب کوبیده، نرم می سازند تا پاک به حالت مایع درآیند، آن گاه زهره گوساله یا عصاره برگ شنبلیله را می جوشانند تا از آن برای میانجی بهره گیرند.

پس از آن چند قطره از زهره جوشیده یا آب شنبلیله را در مقدار اندکی از محلول رنگ ها می چکانند و مخلوط را خوب می تکانند. سپس این ترکیب را روی آمیزه کتیرا و آب ریخته می آزمایند و این کار به وسیله قلم موی نگارگران انجام می گیرد؛ بدین سان که آن را بالای ظرفی که محلول در آن است می گیرند و سپس دسته قلم را با دسته قلم دیگری می کوبند تا مایع قطره قطره در درون تشت پاشیده شود.

زهره گوساله باید به اندازه ای باشد که نه باعث انقباض و نه انبساط مایع گردد و اگر هم چگونگی این مایع رضایت بخش بود، باید باز هم آن را آزمایش کرد تا نمونه بهتری به دست آید. هنگامی که قطره ها پخش می گردند، شکل های گوناگون به خود می گیرند و ناچار از هم باز و گشوده می شوند. در این حال کاغذ را بر روی این مایع انداخته، آن را با دست به آرامی می مالند تا آثار رنگ هایی که بر روی مایع است، به زیر ورق کاغذ بچسبند. سپس ورق را با گیره چوبی گرفته، از ریسمانی در هوا می آویزند تا خشک شود و نمونه ثابتی از نقش روی آب به دست آید. در این حالت، اگر زهره گوساله یا عصاره شنبلیله در مایع رنگ ها کم باشد، طرح ناپدید خواهد شد. پس باید زهره و عصاره بیشتری ریخته شود.

کاغذ ابری - که ایرانیان آن را «موجی» نامیده اند - به همین

به مناسبت نقش و نگارهای تصادفی یا عمدی و حساب شده که در ابری سازی کاغذها، پدید می آید و به جریان آب های رنگین و موج های روی آب می ماند، ملاحظش مازندرانی هم روزگار شاه عباس یکم، سروده است:

درد دلم به کاغذ ابری رقم کنید
شاید که پی به دیده گریبان من برید
(تذکره نصرآبادی: ۳۷۵)

چکامه سرای دیگری گفته است:

پرده چشم من و کاغذ ابری است یکی
دیده ام تا به چمن جلوه نیرنگ تو را
(مجله آریانا، س ۴، ش ۷).

طرز ساخت کاغذ ابری

ساختن کاغذ ابری به تخصص و دقت فراوانی نیاز دارد. در گذشته چندین گونه کاغذ ابری ساخته و پرداخته می شد که امروزه کمتر کسی از راه و روش ساخت آن ها آگاه است و اگر هم آگاه باشد، راز آن را فاش نمی سازد.

به طور کلی در ابری سازی، رنگ ها آزاد و سیال اند و طرح ویژه ای ندارند و همچون شیوه «لعاب پاشیده»، که در سفالگری و کاشی سازی به کار می رود و گویا از چینیان گرفته شده است، به طور تصادفی روی هم یا پهلوی هم قرار می گیرند و زیبایی طبیعی ویژه ای را پدید می آورند. به همین انگیزه در هند برای آن اصطلاح «درهمی» به کار می بردند.

«توماس هربرت» در کتاب «مسافرت به ایران» که در میانه سال های ۱۰۳۹-۱۰۳۷ ه.ق. نوشته، کاغذهای ایرانی را «راه راه» و «رگه دار» همچون مرمر ستوده است (هربرت، ت: ۲۳۴).

با آنکه کاغذهای ابری گوناگونی وجود دارد، شیوه کار در ساختن آن ها یکی بیش نیست. برای ساختن کاغذ ابری نخست آمیزه ای از سه لیتر آب و دو بیست گرم کتیرا یا صمغ

خواجه عباس،

خوشنویس

دیوان اعلی بودو

افشان

وغبار و رنگ آمیزی

ابری

کاغذ اختراع اوست

۵۵

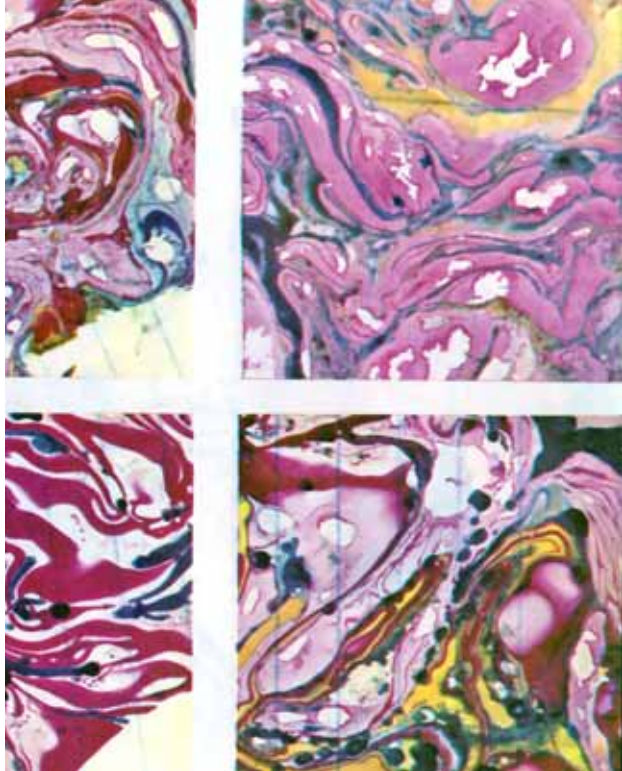
رشد آموزش

۲۵

دوره یازدهم

شماره ۱

پاییز ۱۳۹۲



▲ کاغذ ابر و باد حاصل از رنگ‌های ویتراهای شناور روی آب

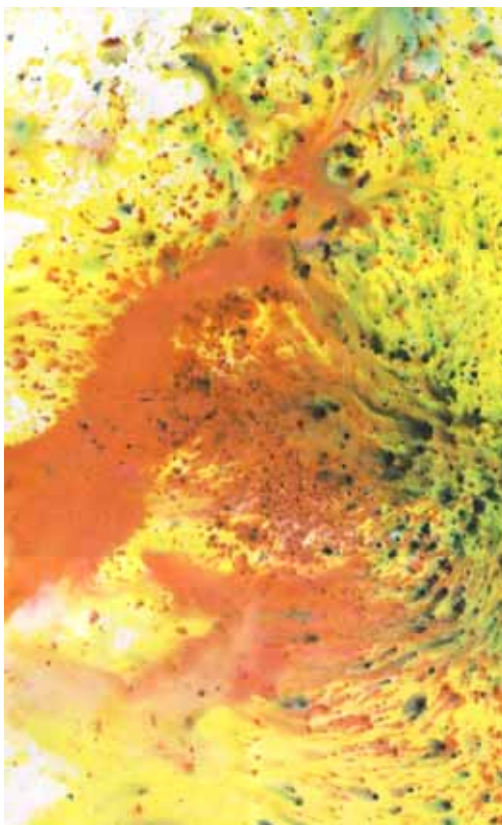
خود را به دلخواه پدید آورده ثابت کند و چندین برگ همگون و یکسان بسازد؛ این گونه ابری را «ابری طوماری» و «نقش درهم» می‌نامند.

برای ساختن کاغذ ابری گل‌دار، قطره‌ای از رنگ را از قلم‌مویی که به ترتیب پیشین ساخته شده باشد، روی سطح محلول کتیرا یا صمغ می‌ریزند و می‌گذارند که رنگ‌ها که در سطح وسیع‌تری پخش شده‌اند، یکجا گرد آیند و از حرکت باز ایستند. آن‌گاه با قلم‌موی پاک دیگری، به رنگ‌ها هر شکلی که بخواهند می‌دهند. برای مثال، می‌توانند آن را به شکل گل لاله یا برگ درآورند و حتی ممکن است با ریختن یک قطره رنگ زرد در درون گلی سرخ، برای آن مادگی نیز پدید آورد.

لیک اگر بخواهند نقطه یا جای سفیدی در طرح پدید آورند، در آن حال از یک قطره زهره خالص استفاده می‌کنند؛ زیرا زهره گوساله، اثر سفید از خود بر روی کاغذ باقی می‌گذارد. کاغذ ابری را می‌توان با نمونه و الگوهای خطی یا عددی نیز فراهم آورد یا دارای خطی خوش یا تصویر جانوران و پرندگان و پروانه‌ها گردانید. بدین‌سان که نخست نوشته‌ها و شکل‌ها را با محلول نسبتاً غلیظ کتیرا روی کاغذ نوشته یا می‌کشند و می‌گذارند خشک شود، سپس رنگ‌های موردنظر را در سطح محلول می‌پراکنند و صفحه کاغذ نوشته یا شکل‌دار را بر روی آن گذاشته، با دست پشت آن را می‌مالند. در این وضع، به‌طور معمول طرح ابری به کاغذ می‌چسبند؛ به‌جز جاهایی که کتیرا به‌کار رفته است. سپس کاغذ را برداشته خشک می‌کنند و صیقل می‌دهند. مؤثر بودن این گونه ابری بستگی به برابری الگوها دارد. از این‌رو برای یکسانی و حفظ طرح، بهتر است برای زمینه طرح ابری، رنگ‌های جسمی‌تری به‌کار برده شود.

شیوه ساخته می‌شود؛ بدین‌سان که چند قطره رنگ روی سطح مایع با تکاندن دسته قلم آغشته به رنگ می‌چکانند و می‌گذارند تا خودبه‌خود پخش شود، سپس این طرح پراکنده تصادفی و طبیعی را روی کاغذ نقل می‌کنند. برای هر برگ کاغذ، باید دوباره روی مایع رنگ دیگری چکانده شود و چون شکل قطره‌های چکانده شده همه تصادفی است، بنابراین هیچ‌گاه نقش و طرح دو برگ کاغذ ابری یکسان از کار در نخواهد آمد، با این همه با جابه‌جا کردن رنگ‌ها بر روی مایع، می‌توان طرح، را تا حدودی حساب شده و به‌دلخواه از آب درآورد. برای این کار از یک شانه چوبی به پهنای شش سانتی‌متر سود می‌جویند و با ریختن رنگ بر روی آن، رنگ‌ها را رشته‌رشته در محلول سر داده، کاغذ را بر روی آن پهن می‌کنند تا آثار دندانه‌های شانه پدیدار شده و راه‌های به‌سان راه‌های سنگ مرمر پدیدار گردد؛ این گونه ابری را «ابری شانه‌ای» می‌نامند.

اگر هنگامی که رنگ روی محلول کتیرا ریخته می‌شود، آن را با قلم‌مویی که از موی و یال اسب ساخته شده به بیرون کشیده پخش کنند، این کار برخلاف جریان و گسترش طبیعی مایع خواهد بود و در اینجا هنرمند می‌تواند طرح



▲ کاغذ ابر و باد حاصل از رنگ آمیزی تگرگی با پودرهای جوهری



برای ساختن ابری‌های زرین نمی‌توان محلول طلا را بر روی محلول کتیرا ریخت؛ زیرا طلا به علت وزن مخصوص خود که سنگین‌تر از آب است، در ته ظرف رسوب می‌کند. برای ساختن ابری زرین می‌توانیم به محض این‌که کاغذ را از محلول کتیرا برداشتیم، خرده‌های ورقه طلا را بر روی آن پاشیم و این کار به همان شیوه انجام می‌گیرد که بخواهیم کاغذهای زرافشان بسازیم. پس از پاشیدن خرده‌های طلا و خشک شدن کاغذ، باید آن را مهره بزیم تا درخشان‌تر گردد. در برخی از کتاب‌های دست‌نویست روزگار صفویان که نقش‌ها و شکل‌های گوناگون بر کاغذهای ابری پدید آورده‌اند، چنین می‌نماید که هنرمندان، این شکل نقش‌ها را ظاهراً مستقیماً بر روی کاغذ پدید آورده‌اند لیک واقعیت این است که این شکل‌ها به‌طور جداگانه بر روی کاغذ ترسیم و سپس بریده شده و بعد با استادی به ورق ابری ضمیمه یا ثابت گردیده است؛ آن‌چنان‌که نمی‌توان آن را باز شناخت (طاهرزاده بهزاد: ۱۹۲۷-۱۹۲۱).

درباره ساختن کاغذ ابری روش‌ها و نسخه‌های دیگری نیز موجود است که از آن جمله نسخه دست‌نویست مدرسه غرب همدان و نسخه حاج مصورالملکی است که با اندک تفاوتی، اصول ابری‌سازی را تشریح کرده‌اند.

ابری که ساختن آن در اواخر سده نهم هجری در ایران پدیدار و پرورده شده بود، سپس در برخی از کشورهای دیگر پراکنده گردید و از جمله هنرمندان کشور عثمانی از آن تقلید کردند و آن را رواج بیشتری دادند.

ابری با نام اصطلاحی خود در کشور عثمانی شیوع یافت و با نام «ابرو = Ebru» معروف شد. گویا واژه فارسی «ابری» چون تلفظ حرکت زبر (أ) در زبان ترکی عثمانی ثقیل است به‌صورت «ابرو» درآمده و از آن تعبیر ویژه‌ای شده و معنی «آبرو» (آب + رو) یا نقش روی آب اراده شده است که چه بسا این

تعبیر درست‌تر و کهن‌تر از «ابری» باشد.

ترکان اکنون بیشتر وانمود می‌کنند که ابری‌سازی اصلاً یک هنر ترک است و چنان‌که شیوه آن‌هاست، ریشه آن را از شهری را که به گمان آنان یک شهر ترک‌نشین بوده است می‌دانند و کهن‌ترین نمونه آن را بر روی کاغذی که به‌خط خوش مالک دیلمی نوشته شده، از سال ۱۵۵۴ میلادی = ۹۶۲ ه.ق. معرفی می‌کنند.

به‌هرسان، این هنر در سده هیجدهم و نوزدهم میلادی در کشور عثمانی رواج فراوان یافته و ابری‌سازان نامداری مانند صادق افندی، که از مردم شهر بخارا بوده است، و پسرش ادهم افندی هزار فن به‌ظهور رسیدند. این هنر از ادهم افندی به شاگردش نجم‌الدین اوکیای و از او به نواده‌اش مصطفی دوزگمن رسیده که اینک در دهه هشتم زندگانی است و به این کار مشغول است. وی مجموعه‌ای منظوم به نام «ابرونامه» نیز به‌ترکی سروده و شیوه ساختن و اصطلاحات آن را بیان کرده است (ترک‌ها و ایولاری).

ابری‌سازی، چنان‌که دانشمندان و هنرشناسان ژاپنی پژوهش کرده‌اند، از ایران از راه ابریشم به ژاپن درآمده و سخت موردپسند هنرمندان ژاپنی قرار گرفته است، لیک اکنون ابری‌سازان ژاپنی همچون ایران و ترکیه تنی چند بیش نیستند (آینده، س ۱۳، ش ۳-۱: ۹۳).

ابری‌سازی از کشور عثمانی راه به اروپا گشوده، بدین‌سان ابری‌سازی فرنگی پدید آمد. سپس گونه چایی آن با طرح‌ها و نقش‌ها و رنگ‌های گوناگون بر روی جلد کتاب‌ها و آستر بدرقه آن‌ها به‌کار رفت و چون ارزان‌تر و فراوان‌تر بود، بازار ابری‌های دست‌ساز را کساد کرده از رونق انداخت.*

پی‌نوشت‌ها

۱. به نقل از مجله آینده، سال شانزدهم، تابستان ۱۳۶۸
۲. برای آگاهی بیشتر از نحوه ساختن کاغذ ابر و باد به کتاب «از ساختن تا پرداختن» تألیف استاد محمدمهدی هراتی انتشارات مدرسه (۱۳۷۰) مراجعه کنید.

منابع

۱. مجالس النفاثین، حبیب‌السیر
۲. بیانی، مهدی؛ احوال و آثار خوشنویسان، جلد دوم، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۳
۳. آثار و اسناد موزه ملک.
۴. منشی قمی، قاضی احمد؛ گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۸۳.
۵. نصرآبادی، محمدطاهر؛ تذکره نصرآبادی، تصحیح ص ۳۷۵.

درابری‌سازی، رنگ‌ها

آزاد و سیال‌اند و

طرح‌ویژه‌های ندارند

و همچون شیوه

«لعاب‌پاشیده»،

که در سفالگری و

کاشی‌سازی به‌کار

می‌رود، به‌طور تصادفی

روی هم یا پهلوئی هم

قرار می‌گیرند و زیبایی

طبیعی ویژه‌ای را پدید

می‌آورند. به همین

انگیزه در هند برای

آن اصطلاح «درهمی»

به‌کار می‌برده‌اند